

مقایسه ویژگیهای شخصیتی هنرمندان با افراد عادی

لادن جالوند

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

دکتر اصغر آقایی

عضو هیئت علمی دانشکاه آزاد اسلامی خوارسکان

شخصیتی هنرمندان با افراد عادی در مقایسه‌های سلطه‌گری، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، خویشتن‌داری، اشتراک، کارایی ذهنی، مدارا، (هنرمندان بیشتر از افراد عادی)، انعطاف‌پذیری و جنبه زنانگی/مردانگی (افراد عادی بیشتر از هنرمندان)، تفاوت معنی دار وجود دارد ($p < 0.05$). در مقایسه ویژگیهای شخصیتی هنرمندان (موسیقی‌دان، شاعر، نقاش و بازیگر) با یکدیگر و با افرادی عادی، علاوه بر مقیاسهای فوق در دو ویژگی اجتماعی شدن و استعداد روانشناختی بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت معنی دار دیده شد ($p < 0.05$). نتایج مقایسه عبارت بودند از: بالاتر بودن ویژگیهای سلطه‌گری بازیگران نسبت به نقاشان و افراد

چکیده

این پژوهش ویژگیهای شخصیتی هنرمندان را با افراد عادی شهر اصفهان بررسی کرده است. گروه هنرمندان شامل، شاعران (۴۰ نفر)، نقاشان (۴۶ نفر)، بازیگران (۴۶ نفر) و موسیقیدانها (۳۷ نفر) به روش نمونه‌گیری در دسترس، و گروه افراد عادی (۵۵ نفر) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و با توجه به متغیرهای جنس، سن، تأهل و مدرک تحصیلی هم‌تا شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا (GPI) با ضریب پایایی ۰/۹۳ و یک پرسشنامه ویژگیهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، درآمد، تحصیلات و تأهل) بود. نتایج نشان داد که بین ویژگیهای



عادی، مردم‌آمیزی نقاشان و بازیگران با افراد عادی، کارآیی ذهنی موسیقیدانها نسبت به افراد عادی، اشتراک بازیگران نسبت به افراد عادی، انعطاف‌پذیری موسیقیدانها نسبت به بازیگران و نقاشان و افراد عادی نسبت به بازیگران، جنبه زنانگی- مردانگی افراد عادی نسبت به موسیقیدانها و بازیگران، مدارا در موسیقیدانها، نقاشان و شاعران از افراد عادی، اجتماعی شدن بازیگران نسبت به سایر گروه‌ها و استعداد روانشناختی موسیقیدانها نسبت به سایر گروه‌ها. همچنین در بررسی ارتباط بین ویژگیهای جمعیت‌شناختی و شخصیتی هنرمندان مشخص شد که بین مقیاسهای استعداد کسب پایگاه با درآمد رابطه مثبت و با تحصیلات رابطه منفی، حضور اجتماعی با تحصیلات رابطه منفی، خودپذیری با تأهل و جنس رابطه منفی، (در افراد مجرد و زنان بیشتر)، اجتماعی شدن با تأهل رابطه منفی (در افراد مجرد بیشتر)، خویشن داری با درآمد رابطه منفی، اشتراک با تحصیلات رابطه مثبت، پیشرفت از طریق عدم وابستگی با تحصیلات رابطه مثبت، کارآمدی ذهنی با درآمد رابطه مثبت، استعداد روانشناختی با سن رابطه منفی، انعطاف-پذیری با درآمد رابطه مثبت و با سن رابطه منفی جنبه زنانگی- مردانگی با تحصیلات رابطه مثبت و مدارا با تحصیلات رابطه مثبت و با جنس رابطه منفی (در زنان بیشتر)، دارد (ضریب رگرسیون بین ۰/۲۷۸- ۰/۱۵۲ بود).

کلید واژه‌ها: ویژگیهای شخصیتی، هنرمندان، افراد عادی، پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا.

مقدمه

یکی از مباحث اصلی و بنیادی علم روانشناسی، ویژگیهای شخصیتی است که مبنای نظام رفتاری افراد را تشکیل می‌دهد. پرداختن به این مقوله می‌تواند جنبه‌های خاصی از عملکرد افراد را در زمینه‌های مختلف روشن سازد.

شخصیت از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است و هر یک آن را بر اساس چارچوب نظریه مربوط تعریف کرده‌اند، اما کامل‌ترین تعریف شخصیت را آلپورت (Allport) این چنین بیان کرده است: شخصیت سازمانی پویا از نظامهای

روانی و جسمانی است که در درون فرد قرار دارد و ویژگیهای فرد، رفتار و اندیشه او را تعیین می‌کند (پروین، ۱۳۸۱).

بر اساس تجربه‌های روزمره و با استناد به منابع مکتوب مشخص شده است که ویژگیهای خاصی هستند که نقش برجسته و مسلطی در منظومه روانی ما دارند و بدین لحاظ است که این ویژگیها و صفات شخصیتی می‌توانند به درستی توصیف کننده ما باشند، چرا که در غالب اوقات هدایت کننده رفتار ما هستند (پاپالیا، ۱۹۹۸). از طرف دیگر ویژگیهای شخصیتی افراد در عملکرد شغلی آنان تأثیر می‌گذارد و

هنر و هنرمند همیشه در یک جهت دیده شده و با هم معنی می‌شوند. چگونه ممکن است انسان نقاشی زیبایی ترسیم کند و آن نقاشی، اثری از اندیشه و خلاقیت نداشته باشد یا اینکه فیلمی بسازد و آن فیلم اثری از ارزشهای حاکم بر درون فرد نداشته باشد و شعری بسراید و آن شعر زبان حالش نباشد. اگر غیر این باشد مطمئناً به آن اثر، نمی‌توان هنر گفت.

حرفه افراد و نهادی که در آن اشتغال دارند نیز خود در ویژگیهای شخصیتی آنان مؤثر است. (راینز، ۱۳۶۹). یکی از مشاغل و حرفه‌های مهم، فعالیت در امور هنری است که افراد خاصی به آن می‌پردازند. هنر و هنرمند از دیدگاه روانشناسان و نویسندگان تعاریف مختلفی دارد از جمله: هنر جمله زیبایی ساز (هگل)، هنر تصعیدگر تمایلات جنسی (داروین)، اسپنسر و فروید)، هنر انتقال‌دهنده آگاهانه احساسهای تجربه شده (تولستوی)، هنرمند آفریننده هنر است و در یکی از رشته‌های هنری تبحر و اشتها دارد، هنرمند قادر به آفرینش جهان‌های احساسی معظم و عالی است (اریابی، ۱۳۴۴).

هنر و هنرمند همیشه در یک جهت دیده شده و با هم معنی می‌شوند. چگونه ممکن است انسان نقاشی زیبایی

ترسیم کند و آن نقاشی، اثری از اندیشه و خلاقیت نداشته باشد یا اینکه فیلمی بسازد و آن فیلم اثری از ارزشهای حاکم بر درون فرد نداشته باشد و شعری بسراید و آن شعر زبان حالش نباشد. اگر غیر این باشد مطمئناً به آن اثر، نمی‌توان هنر گفت (مطوحی، ۱۳۷۴).

کشور ما از معدود کشورهای جهان است که درصد زیادی از جمعیت آن را جوانان زیر ۳۵ سال تشکیل داده‌اند. از آنجا که نداشتن الگوی سالم برای جوانان، آنان را به طرق مختلف متمایل به فرهنگ‌های غربی می‌کند که عواقب وخیمی برای جوان، فرهنگ جامعه و نظام جمهوری اسلامی ایران دارد، یکی از راه‌های مهم مقابله با تهاجم فرهنگی، شناسایی ساختار سنتی محیط اجتماعی خود، فرهنگ بومی و ریشه داری است که مجهز به پشتوانه چند صد سال تاریخ پربار علمی و هنری با اصالت‌های ملی است. فرهنگ و هنر سالم لازمه دست یافتن به جامعه‌ای مطلوب است، علی‌الخصوص در این زمان که اختلاط‌های نابجای شیفتگان فرهنگ غربی از سر ناآگاهی سنت‌های خود را با فرهنگ بیگانه درهم می‌آمیزند و سلامت جامعه را به خطر می‌افکند. از آنجا که هنرمندان بیش از دیگر قشرهای جامعه در ایجاد فرهنگی سالم نقش آفرین هستند، این تحقیق درصدد بود، ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان را براساس مقیاس‌های پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا (CPI) بسنجد و آنها را با افراد عادی مقایسه نماید، تا بتوان با دلایل مستند و علمی درباره شخصیت هنرمندان قضاوت صحیحی به عمل آورد. هنرمندان در این تحقیق، محدود به چهار رشته هنری موسیقی، نقاشی، شعر و بازیگری بودند. این هنرمندان را رئیس انجمن و پیشکسوتان رشته هنری مربوط با معیار داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار مفید و تا حد امکان سابقه آموزشی، معرفی کردند. تحقیق‌های اندک و پراکنده‌ای در ارتباط با موضوع پژوهش انجام شده (خصوصاً در داخل تحقیق‌های داخلی و خارجی مستقیماً به بررسی مقیاس‌های پرسشنامه CPI در جامعه هنرمندان نپرداخته‌اند.

گران (Grant) و داج (Dajee)، (۲۰۰۳) در تحقیق‌شان نشان دادند که هر دو شخصیت درون‌گرا و برون‌گرای بازیگران، هنگامی که در حضور شخص دیگری، کار دقیقی

انجام می‌دهند، عملکردشان افزایش می‌یابد. کانار (Cannor) و دایس (Dyce)، (۱۹۹۷) در تحقیقی که بر روی موسیقیدانها انجام دادند دریافتند که در گروه‌های منسجم موسیقی انعطاف‌پذیری بین فردی بیشتر دیده می‌شود و همچنین همبستگی مثبتی بین میل به کمال و توجه مثبت به دیگران در آنان وجود دارد. آلبرایت (Albright) و همکاران (۲۰۰۱) در بررسی خود دریافتند که، بازیگران از نظر خودشان خود ابرازی بالایی دارند ولی از نظر همسرانشان با رفتارهای بین فردی آنان مطابقت دارد، که نشان می‌دهد بازیگران افزایش شخصیت اندکی داشته و خود خصوصی با خود عمومی فرد ارتباط چندانی ندارد و بازیگران وقتی تصمیم می‌گیرند شخصیتی را بیافرینند قادرند به خود پنداره‌شان بی‌اعتنا باشند و همچنین ترز (Therese) و همکاران (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای که بر روی ۴۰ دانشجوی بازیگری داشتند نشان دادند که ادراک خویشتن و نیمرخ شخصیت بازیگران در طی نمایش بیشتر مشابه شخصیت‌هایی می‌شود که بازی می‌کنند. بری (Barry)، (۲۰۰۰) نشان داد، معلمانی که به‌طور منظم در کلاس‌هایشان از هنرهای خلاق استفاده می‌کنند یادگیری شاگردانشان تسهیل می‌یابد. و باتسورت (Butsworth) و اسمیت (Smith)، (۱۹۹۵) نیز در بررسی ویژگی‌های شخصیتی دو گروه موسیقیدان و غیرموسیقیدان اظهار کردند که موسیقیدانها از هوش بیشتر و از نظر ثبات هیجانی از حساسیت و محافظه‌کاری پایین‌تری برخوردارند.

مرتن و فیشر (Mwrten & Fischer)، (۱۹۹۹) ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان نویسنده و بازیگر، به‌عنوان گروه خلاق را با افراد عادی مقایسه کردند و دریافتند که بعد روان پریشی‌گرایی گروه خلاق نسب به گروه عادی بیشتر است و خلاقها در رفتار تداعی کلامی نسبت به تداعی غیرکلامی بهتر پاسخ می‌دهند. راوما (Ravema)، (۱۹۹۶) دریافت که افراد خلاق به سختی به سمبولهای مورد علاقه خود وابستگی و اشتیاق نشان می‌دهند. ریچاردز (Richards)، (۱۹۹۳) اظهار کرد که دانش‌آموزان و معلمان دبیرستان‌های هنر، تحمل بیشتری در اضطراب و هیجانهای زیاد دارند. مارچانت و ویلسون (Marchunt & Wilson)، (۱۹۹۲)، چهار گروه از هنرمندان (بازیگر، رقص، موسیقیدان و خواننده) را

موسیقیدان، بازیگر و نقاش شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری در دسترس با داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار حرفه‌ای، توسط رئیس انجمن هنرمندان و پیشکسوتان رشته هنری مربوطه معرفی شدند و ۵۵ نفر از افراد عادی بدون داشتن سابقه هنری به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای پس از هم‌تاسازی از نظر متغیرهای سن، جنس، مدرک تحصیلی و تأهل به عنوان نمونه گروه عادی برگزیده شدند که تعداد گروه هنرمندان به تفکیک رشته هنری و جنس و همچنین گروه عادی به تفکیک جنس و همچنین گروه عادی به تفکیک جنس در جدول شماره (۱) آورده شده است.

جدول شماره ۱- تعداد آزمودنیها به تفکیک جنس از گروه‌های

مورد مطالعه

گروه	زن	مرد
موسیقیدان	۷	۳۰
بازیگر	۱۴	۳۲
نقاش	۱۲	۳۴
شاعر	۸	۳۲
عادی	۱۵	۴۰
جمع	۵۶	۱۶۸

ابزار این تحقیق شامل: ۱- پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا (CPI) که هریسون گاف (Harrison Gough) آن را در سال ۱۹۷۵ انتشار داد و از نظر آناستازی یکی از بهترین پرسشنامه‌های شخصیت است که برای سنجش خصایص شخصیتی پایدار میان فردی در یک جامعه به‌هنگار تدوین شده است. این آزمون ۱۸ زیر گروه دارد سلطه‌گری (DO)، استعداد کسب پایگاه (CS)، مردم‌آمیزی (SY)، حضور اجتماعی (SP)، خودپذیری (SA)، احساس سلامتی (WB)، مسئولیت‌پذیری (RE)، اجتماعی شدن (SO)، خویشتن‌داری (SC)، برداشت خوب (GI)، مدارا (TO)، اشتراک (CM)، پیشرفت از طریق هم‌نوایی (AC)، پیشرفت از طریق عدم وابستگی (AI)، کارآمدی ذهنی (IE)، استعداد روان‌شناختی (PY)، انعطاف

از نظر علائم استرس و ویژگیهای شخصیتی با افراد عادی مقایسه نمودند و نتایج نشان داد: بازیگران، برون‌گرایی و بیان‌گری بالا، رقاصها غمگینی، اضطراب، خود بیمارانگاری و عزت نفس پایین و موسیقیدانها، تا اندازه‌ای درون‌گرایی و محافظه‌کاری و خواننده‌ها اضطراب بالایی، دارند. ویکفیلد (Wakfield)، (۱۹۹۲) در تحقیق خود نشان داد که در هنرمندان نقاش تفکر و اگر میزان بالایی دارد. پاپ (PoP)، (۱۹۹۰)، ارتباط بین خلاقیت و عوامل مرتبط را با افزایش سن در هنرمندان بالای ۶۵ سال بررسی کرد و به این نتیجه رسید که افزایش سن از نظر زمانی، محدودیتی در خلاقیت ایجاد نمی‌کند ولی موانع اجتماعی بر خلاقیت افراد مسن تأثیر گذار است.

پایکار (۱۳۷۸) ویژگیهای شخصیتی هنرمندان نقاش را با افراد عادی مقایسه کرد و نشان داد که هنرمندان نقاش درون‌گراتر هستند. افتخاری (۱۳۷۴) در تحقیقی نشان داد که موسیقیدانها در قضاوت‌های عملی بیشتر از غیرموسیقیدانها قابل اتکاء هستند و علاقه‌مند به امور عملی بوده و دارای دقت عمل می‌باشند.

هدف از این پژوهش مقایسه ویژگیهای شخصیتی هنرمندان با افراد عادی است و از آنجا که هنرمندان قشر تأثیر گذار بر فرهنگ جامعه هستند و تحقیقات جامع‌اندکی در این باره صورت گرفته، خصوصاً در مورد مقایسه بین گروهی هنرمندان، بررسی ویژگیهای شخصیتی آنها با اهمیت به نظر می‌رسد. بنابراین، در این تحقیق سه فرضیه عمده مطرح است:

- ۱- بین ویژگیهای شخصیتی هنرمندان با افراد عادی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- ۲- بین ویژگی شخصیتی هنرمندان شاعر، موسیقیدان، نقاش و بازیگر با یکدیگر و با افراد عادی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- ۳- بین ویژگیهای شخصیتی و جمعیت شناختی هنرمندان رابطه وجود دارد.

روش

در این پژوهش، برای مقایسه ویژگیهای شخصیتی هنرمندان با افراد عادی ۱۶۹ نفر از هنرمندان شاعر،

پذیری (FX) و جنبه زنانگی- مردانگی (FM) و از ۴۶۲ سؤال تشکیل شده است (مارنات، ۱۳۷۹).

در تحقیق میرزایی به ۳۵۰ سؤال تقلیل یافت، استفاده شده است.

۲- پرسشنامه جمعیت‌شناختی متغیرهای سن، جنس، مدرک تحصیلی، درآمد، سابقه هنری و وضعیت تاهل را بررسی کرده است.

پرسشنامه CPI توسط مهram در سال ۱۳۷۵ بر افراد عادی شهر هنجاریابی شد و رد پایین‌ترین ارزش پایایی برای مقیاس استعداد روانشناختی برابر با ۰/۵۳ و بالا‌ترین پایایی برای مقیاس خویشتن‌داری برابر با ۰/۸۹ گزارش شده است (حافظ شریف، ۱۳۷۹). میرزایی با نظارت پاشا شریفی در سال ۱۳۸۰ این پرسشنامه را بر دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران هنجاریابی نمودند و ضریب پایایی آن را ۰/۹۳ بدست آوردند (میرزایی، ۱۳۸۰). در این تحقیق از فرم اصلی ۴۸۰ سؤالی CPI که

نتایج

فرضیه (۱): «بین ویژگیهای شخصیتی هنرمندان با افراد عادی تفاوت وجود دارد» جدول (۲) و (۳) به بررسی این موضوع پرداخته است.

جدول شماره ۲- مقایسه میانگین و انحراف استاندارد نمرات ویژگیهای شخصیتی دو گروه هنرمند و عادی

هنرمند		عادی		گروه
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۲/۴۹	۱۵/۶۶	۲/۶۳	۱۴/۸۰	DO
۲/۴۷	۱۱/۸۰	۲/۲۵	۱۱/۵۸	CS
۲/۵۴	۱۰/۳۵	۲/۱۵	۹/۱۰	SY
۳/۵۲	۱۸/۰۶	۳/۴۹	۱۵/۸۰	SP
۲/۵۵	۱۱/۹۴	۱۴/۰۴	۱۳/۹۲	SA
۴/۳۲	۱۶/۱۸	۳/۷۷	۱۵/۰۵	WB
۲/۸۵	۱۴/۳۷	۲/۶۶	۱۳/۷۲	RE
۴/۹۳	۱۳/۹۵	۲/۶۷	۱۲/۶۹	SO
۳/۶۰	۱۴/۵۳	۳/۴۵	۱۱/۱۴	SC
۳/۲۱	۱۲/۹۴	۲/۹۸	۱۲/۵۶	GI
۲/۱۲	۱۰/۰۲	۲/۴۸	۸/۸۹	CM
۲/۵۶	۱۰/۹۸	۲/۶۵	۱۱/۵۶	AC
۲/۵۸	۷/۹۲	۲/۰۹	۷/۳۶	AI
۲/۸۷	۱۲/۶۳	۲/۹۴	۱۱/۲۱	IE
۲/۷۸	۹/۱۰	۱/۸۰	۹/۲۵	PY
۳/۰۳	۹/۷۳	۳/۲۱	۱۰/۷۴	FX
۲/۳۳	۱۲/۲۱	۲/۸۱	۱۳/۷۱	FM
۳/۶۳	۱۰/۹۶	۲/۸۶	۸/۷۲	TO

جدول شماره ۳- تحلیل واریانس چند متغیره، مقایسه میانگین نمرات ویژگیهای
شخصیتی گروه‌های هنرمند و عادی

توان آماری	میزان تفاوت (eta) ^۲	سطح معنی داری (sig)	F	مقیاس
۰/۵۹۵	۰/۰۲۲	۰/۰۲۸ *	۴/۸۸۷	DO
۰/۰۹۱	۰/۰۰۲	۰/۵۵۵	۰/۳۵۰	CS
۰/۹۳۷	۰/۰۵۲	۰/۰۰۱ *	۱۲/۲۸۹	SY
۰/۹۸۵	۰/۰۷۲	۰/۰۰۰ *	۱۷/۲۰۵	SP
۰/۴۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۸۰	۳/۰۹۴	SA
۰/۴۱۰	۰/۰۱۳	۰/۰۸۳	۳/۰۳۰	WB
۰/۳۱۸	۰/۰۱۰	۰/۱۳۷	۲/۲۲۸	RE
۰/۴۴۱	۰/۰۱۵	۰/۰۷۰	۳/۳۰۶	SO
۱/۰۰۰	۰/۱۵۴	۰/۰۰۰ *	۳۷/۵۴۳	SC
۰/۱۲۲	۰/۰۰۳	۰/۴۳۵	۰/۶۱۱	GI
۰/۹۰۵	۰/۰۴۶	۰/۰۰۱ *	۱۰/۷۹۲	CM
۰/۳۰۳	۰/۰۰۹	۰/۱۴۹	۲/۰۹۸	AC
۰/۳۱۱	۰/۰۱۰	۰/۱۴۳	۲/۱۶	AI
۰/۸۸۳	۰/۰۴۳	۰/۰۰۲ *	۱۰/۰۱۸	IE
۰/۰۶۷	۰/۰۰۱	۰/۷۰۱	۰/۱۴۸	PY
۰/۵۵۸	۰/۰۲۰	۰/۰۳۶ *	۴/۴۷۴	FX
۰/۹۷۴	۰/۰۶۵	۰/۰۰۰ *	۱۵/۴۰۲	FM
۰/۹۸۵	۰/۰۷۲	۰/۰۰۰ *	۱۷/۳۰۳	TO

فرضیه شماره ۲- بین ویژگیهای شخصیتی هنرمندان شاعر، موسیقیدان، نقاش و بازیگر با یکدیگر و با افراد عادی تفاوت معنی دار وجود دارد. جدول شماره ۴ به بررسی این موضوع پرداخته است.

با توجه به جدول شماره ۴: بین میانگین نمرات گروه‌های مورد مطالعه علاوه بر مقیاسهایی که در فرضیه شماره ۱ بین دو گروه هنرمند و عادی تفاوت معنی دار داشتند، در دو مقیاس دیگر، یعنی استعداد روان‌شناختی (PY) و اجتماعی

جدول شماره ۲ میزان میانگینهای دو گروه مورد مطالعه را در مقیاسهای ۱۸ گانه نشان داده است.

با توجه به جدول شماره ۳ در مقیاسهای سلطه‌گری (DO)، مردم‌آمیزی (SY)، حضور اجتماعی (SP)، خویشن‌داری (SC)، اشتراک (CM)، کارآیی ذهنی (IE)، انعطاف‌پذیری (FX)، زنانگی-مردانگی (FM) و مدارا (TO)، تفاوت بین دو گروه هنرمند و افراد عادی معنی دار است، ولی در سایر مقیاسها بین دو گروه هنرمند و عادی تفاوت معنی داری دیده نشد.

جدول شماره ۴- تحلیل واریانس چند متغیره، مقایسه میانگین نمرات ویژگیهای شخصیتی گروه‌های مورد مطالعه

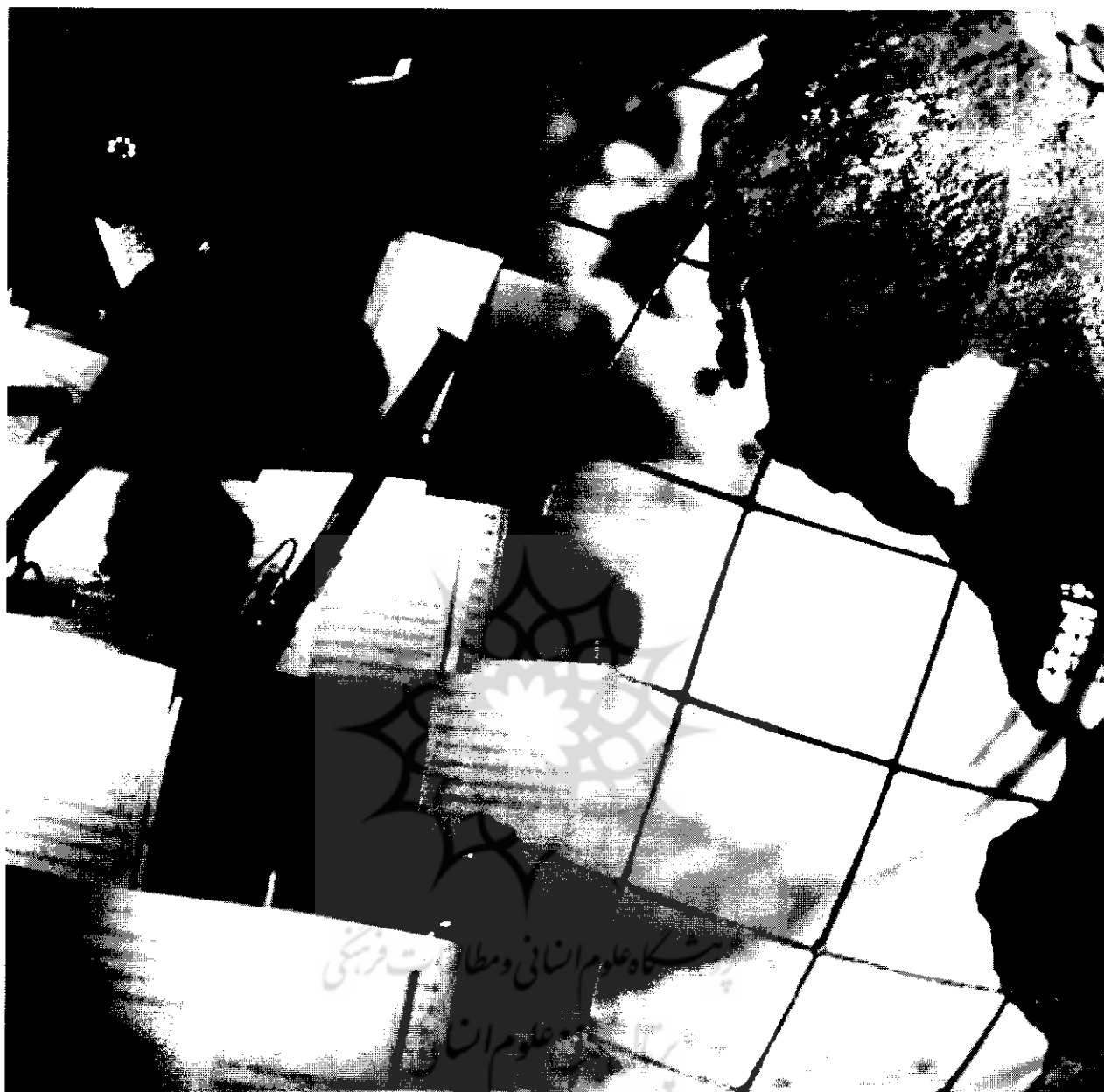
توان آماری	میزان تفاوت (Eta)	سطح معنی داری (sig)	F	مقیاس
۰/۹۰۰	۰/۰۶۷	۰/۰۰۴*	۳/۹۳۹	DO
۰/۲۵۹	۰/۰۱۵	۰/۵۱۵	۰/۸۱۷	CS
۰/۹۵۱	۰/۰۸۰	۰/۰۰۱*	۴/۷۵۸	SY
۱/۰۰۰	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰*	۱۱/۷۸۷	SP
۰/۳۴۸	۰/۰۲۰	۰/۳۵۱	۱/۱۱۴	SA
۰/۲۸۸	۰/۰۱۶	۰/۴۵۷	۰/۹۱۴	WB
۰/۳۷۹	۰/۰۲۲	۰/۳۰۴	۱/۲۱۸	RE
۰/۹۸۱	۰/۰۹۶	۰/۰۰۰*	۵/۸۰۰	SO
۱/۰۰۰	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰*	۹/۶۸۱	SC
۰/۲۸۱	۰/۰۱۶	۰/۴۷۰	۰/۸۹۱	GI
۰/۷۵۵	۰/۰۴۸	۰/۰۲۸*	۲/۷۷۱	CM
۰/۲۴۱	۰/۰۱۴	۰/۵۵۶	۰/۷۵۵	AC
۰/۵۹۸	۰/۰۳۵	۰/۰۹۳	۲/۰۱۴	AI
۰/۸۶۲	۰/۰۶۱	۰/۰۰۸*	۳/۵۴۰	IE
۰/۹۹۹	۰/۱۴۰	۰/۰۰۰*	۸/۹۱۱	PY
۰/۹۹۵	۰/۱۱۵	۰/۰۰۰*	۷/۱۴۶	FX
۰/۹۸۱	۰/۰۹۵	۰/۰۰۰*	۵/۷۷۷	FM
۱/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰*	۱۲/۹۲۲	TO

$P < 0/05$

عادی بیشتر می‌باشد.
 - ویژگی حضور اجتماعی (SP) موسیقیدانها از افراد عادی و بازیگران از موسیقیدانها، نقاشان، شاعران و افراد عادی بیشتر می‌باشد.
 - ویژگی اجتماعی شدن (SO) بازیگران از موسیقیدانها، شاعران، نقاشان و افراد عادی بیشتر است.
 - ویژگی خویشن‌داری (SC) موسیقیدانها، شاعران، نقاشان و بازیگران از افراد عادی بیشتر می‌باشد.

شدن (SO) تفاوت معنی‌دار وجود داشت. با استفاده از آزمون تعقیبی «بن فرنی» گروه‌ها دو به دو با هم مقایسه شدند که نتایج آن در جدول شماره ۵ آمده است.

یافته‌ها در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد:
 - ویژگی سلطه‌گری (DO) بازیگران از نقاشان و افراد عادی بیشتر است.
 - ویژگی مردم‌آمیزی (SY) نقاشان و بازیگران از افراد



- ویژگی زنانگی - مردانگی (FM) افراد عادی از موسیقیدانها و بازیگران بیشتر است.

- ویژگی مدارا (TO) موسیقیدانها، شاعران و نقاشان از بازیگران و افراد عادی بیشتر است.

فرضیه شماره ۳- «بین ویژگیهای شخصیتی و جمعیتی شناختی هنرمندان رابطه وجود دارد» در جدول شماره ۶ این موضوع بررسی شده است.

(R: رگرسیون چندگانه، R^2 : ضریب تبیین، BETA:

- ویژگی اشتراک (CM) بازیگران از افراد عادی بیشتر است.

- ویژگی کارآیی ذهنی (IE) موسیقیدانها از افراد عادی بیشتر است.

- ویژگی استعداد روان شناختی (PY) موسیقیدانها از شاعران، نقاشان، بازیگران و افراد عادی بیشتر است.

ویژگی انعطاف پذیری (FX) موسیقیدانها، از نقاشان و شاعران و بازیگران، از افراد عادی و موسیقیدانها بیشتر است.

جدول شماره ۵- مقایسه زوجی ویژگیهای شخصیتی در گروه‌های مورد مطالعه

مقیاس	گروه‌های مورد مطالعه	اختلاف میانگین	سطح معنی داری (sig)
DO	بازیگر ← نقاش	۱/۶۷۳	۰/۰۱۴
	بازیگر ← عادی	۱/۶۳۴	۰/۰۱۲
SY	نقاش ← عادی	۱/۳۹۴	۰/۰۴۶
	بازیگر ← عادی	۱/۹۵۶	۰/۰۰۱
SP	موسیقیدان ← عادی	۲/۲۰۰	۰/۰۲۲
	بازیگر ← موسیقیدان	۲/۱۵۲	۰/۰۳۸
	بازیگر ← نقاش	۳/۴۷۸	۰/۰۰۰
	بازیگر ← شاعر	۲/۸۲۷	۰/۰۰۱
	بازیگر ← عادی	۴/۳۵۲	۰/۰۰۰
SO	بازیگر ← موسیقیدان	۳/۴۲۳	۰/۰۰۴
	بازیگر ← نقاش	۳/۳۴۷	۰/۰۰۳
	بازیگر ← شاعر	۳/۱۶۹	۰/۰۰۸
	بازیگر ← عادی	۳/۶۷۸	۰/۰۰۰
SC	موسیقیدان ← عادی	۳/۶۱۱	۰/۰۰۰
	بازیگر ← عادی	۲/۸۷۶	۰/۰۰۱
	نقاش ← عادی	۳/۷۰۲	۰/۰۰۰
	شاعر ← عادی	۳/۴۲۹	۰/۰۰۰
CM	بازیگر ← عادی	۱۰/۳۰۹	۰/۰۵
IE	موسیقیدان ← عادی	۲/۲۶۸	۰/۰۰۳
PY	موسیقیدان ← بازیگر	۲/۶۸۳	۰/۰۰۰
	موسیقیدان ← نقاش	۲/۸۳۶	۰/۰۰۰
	موسیقیدان ← شاعر	۲/۳۶۲	۰/۰۰۰
	موسیقیدان ← عادی	۱/۹۰۷	۰/۰۰۳
FX	بازیگر ← موسیقیدان	۲/۸۸۷	۰/۰۰۰
	موسیقیدان ← نقاش	۲/۶۶۹	۰/۰۰۱
	موسیقیدان ← شاعر	۲/۱۵۶	۰/۰۱۵
	بازیگر ← عادی	۱/۸۷۵	۰/۰۱۷
FM	عادی ← موسیقیدان	۱/۵۱۱	۰/۰۳۹
	عادی ← بازیگر	۲/۲۸۱	۰/۰۰۰
TO	موسیقیدان ← بازیگر	۲/۶۰۱	۰/۰۰۴
	موسیقیدان ← عادی	۲/۵۷۰	۰/۰۰۳
	نقاش ← بازیگر	۳/۴۵۶	۰/۰۰۰
	نقاش ← عادی	۳/۴۲۴	۰/۰۰۰
	شاعر ← بازیگر	۳/۲۰۴	۰/۰۰۰
	شاعر ← عادی	۱/۷۲۳	۰/۰۰۰

ضریب تأثیر استاندارد شده، sig: سطح معنی دار)

با توجه به جدول شماره ۵ بر اساس ضریب BETA:

ویژگی خویشتن داری (SC) با درآمد رابطه منفی داشت

و بر اساس ضریب تبیین، ۲٪ از واریانس نمرات مقیاس SC توسط ویژگی درآمد قابل تبیین است.

ویژگی اشتراک (CM) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت

داشت و بر اساس ضریب تبیین، ۲٪ از واریانس نمرات مقیاس CM توسط ویژگی مدرک تحصیلی قابل تبیین است.

است و با ورود متغیر مدرک تحصیلی میزان واریانس تبیین شده به ۵٪ افزایش یافت.

ویژگی حضور اجتماعی (SP) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت داشت. بر اساس ضریب تبیین، ۳٪ از واریانس نمرات مقیاس SP توسط ویژگی درآمد قابل تبیین است.

ویژگی خود پذیری (SA) با تأهل و جنس رابطه منفی داشت، به عبارتی ویژگی خودپذیری در هنرمندان زن و مجرد بیشتر از هنرمندان مرد و متأهل است. بر اساس

جدول شماره ۶- رگرسیون چند گانه، ارتباط بین ویژگیهای جمعیت شناختی و شخصیتی هنرمندان

ویژگی شخصیتی	ویژگی جمعیت شناختی	R	R ^۲	Beta	sig	ویژگی شخصیتی	ویژگی جمعیت شناختی	R	R ^۲	Beta	sig
SC	درآمد	۰/۱۵۲	۰/۰۲۳	-۰/۱۵۲	۰/۰۴۸	SO	تأهل	۰/۲۲۱	۰/۰۴۹	-۰/۲۲۱	۰/۰۰۴
CM	مدرک	۰/۱۵۴	۰/۰۲۴	-۰/۱۵۴	۰/۰۴۶	IE	درآمد	۰/۲۱۲	۰/۰۴۵	۰/۲۱۲	۰/۰۰۶
AI	مدرک	۰/۱۶۸	۰/۰۲۸	-۰/۱۶۸	۰/۰۲۹	PY	سن	۰/۲۰۷	۰/۰۴۳	-۰/۲۰۷	۰/۰۰۷
CS	درآمد	۰/۱۵۷	۰/۰۲۵	-۰/۱۵۷	۰/۰۴۲	FX	سن	۰/۲۵۷	۰/۰۶۶	-۰/۲۵۷	۰/۰۰۱
	درآمد	۰/۲۲۶	۰/۰۵۱	-۰/۲۰۴	۰/۰۱۰		سن	۰/۳۲۲	۰/۱۰۴	-۰/۲۵۷	۰/۰۰۱
	مدرک			-۰/۱۶۹	۰/۰۳۳		درآمد			۰/۱۹۴	۰/۰۰۹
SP	مدرک	۰/۱۸۲	۰/۰۳۳	-۰/۱۸۲	۰/۰۱۸	FM	مدرک	۰/۱۶۱	۰/۰۲۶	۰/۱۳۹	۰/۰۳۷
SA	تأهل	۰/۲۲۹	۰/۰۵۲	-۰/۲۲۹	۰/۰۰۳	TO	مدرک	۰/۲۰۶	۰/۰۴۲	۰/۲۰۶	۰/۰۰۷
	تأهل	۰/۲۷۸	۰/۰۷۸	-۰/۲۰۳	۰/۰۰۸		مدرک	۰/۲۶۴	۰/۰۷	۰/۲۲۶	۰/۰۰۳
	جنس			-۰/۱۶۱	۰/۰۳۴		جنس			۰/۱۶۷	-۰/۱۶۷

ضریب تبیین، ۵٪ از واریانس نمرات مقیاس SA توسط ویژگی تأهل قابل تبیین می شود و با ورود متغیر جنس میزان واریانس تبیین شده به ۷٪ افزایش یافت.

ویژگی اجتماعی شدن (SO) با تأهل رابطه منفی داشت، به عبارتی این ویژگی در هنرمندان مجرد بیشتر از هنرمندان متأهل است. بر اساس ضریب تبیین، ۴٪ از واریانس نمرات مقیاس SO توسط ویژگی تأهل قابل تبیین است.

ویژگی پیشرفت از طریق عدم وابستگی (AI) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت داشت و بر اساس ضریب تبیین، ۲٪ از واریانس نمرات مقیاس AI توسط ویژگی مدرک تحصیلی قابل تبیین است.

ویژگی استعداد کسب پایگاه (CS) با درآمد رابطه مثبت و با مدرک رابطه منفی داشت. بر اساس ضریب تبیین، ۲٪ از واریانس نمرات مقیاس CS توسط ویژگی درآمد قابل تبیین

ویژگی کارایی ذهنی (IE) با درآمد رابطه مثبت داشت. بر اساس ضریب تبیین، ۴٪ از واریانس نمرات مقیاس IE توسط ویژگی مدرک تحصیلی قابل تبیین است.

ویژگی استعداد روانشناختی (PY) با سن رابطه منفی داشت. بر اساس ضریب تبیین، ۴٪ از واریانس نمرات مقیاس PY توسط ویژگی سن قابل تبیین است.

ویژگی انعطاف پذیری (FX) با سن رابطه منفی و با درآمد رابطه مثبت داشت. بر اساس ضریب تبیین، ۶٪ از واریانس نمرات مقیاس FX توسط ویژگی سن قابل تبیین است و با ورود متغیر در آمد میزان واریانس تبیین شده به ۱۰٪ افزایش می یابد.

ویژگی زنانگی - مردانگی (FM) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت داشت. بر اساس ضریب تبیین، ۲٪ از واریانس نمرات مقیاس FM توسط ویژگی مدرک قابل تبیین است.

ویژگی مدارا (TO) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت و با جنس رابطه منفی داشت، به عبارتی این ویژگی در هنرمندان زن بیشتر از هنرمندان مرد است. بر اساس ضریب تبیین، ۴٪ از واریانس نمرات مقیاس TO توسط مدرک تحصیلی قابل تبیین است. با ورود متغیر جنس میزان واریانس تبیین شده به ۷٪ افزایش یافت.

بحث

جدول شماره ۳ نشان داد که گروه عادی و هنرمند در ۹ ویژگی از مقیاسهای ۱۸ گانه پرسشنامه CPI دارای تفاوت معنی داری هستند (فرضیه ۱). ویژگیها عبارت بودند از: سلطه‌گری، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، خویشتن‌داری، اشتراک، کارایی ذهنی، انعطاف پذیری، زنانگی - مردانگی و مدارا و همچنین جدول شماره ۴ نشان داد که در مقایسه گروه‌های مورد مطالعه (۵ گروه)، علاوه بر مقیاسهای فوق در دو ویژگی دیگر، اجتماعی شدن و استعداد روانشناختی، بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت معنی دار وجود داشت. البته با توجه به میزان تفاوت ^۲ (eat) مذکور در جداول فوق تفاوت در ویژگیهای خویشتن‌داری، مدارا، انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه بود و در سایر ویژگیها تفاوت ناچیزی وجود داشت.

به منظور جمع بندی جامع تر، ابتدا ویژگیهایی که در هر

دو فرضیه ۱ و ۲، بین گروه‌های مورد مطالعه، تفاوت شان معنی دار بود مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس به سایر ویژگیهایی که تفاوتشان معنی دار نبود پرداخته خواهد شد.

- در ویژگی سلطه‌گری (DO)، با استفاده از آزمون بن فرنی مشخص گردید که گروه بازیگران از نقاشان و افراد عادی سلطه‌گری بیشتری دارند. از آنجا که جلب نظر دیگران و اعتماد به نفس بالا از خصوصیات این ویژگی است، این نتیجه با تحقیق گرانت و داج (۲۰۰۳) که نشان دادند بازیگران در حضور افراد دیگر، عملکردشان افزایش می‌یابد هماهنگی دارد. این نتیجه را با توجه به نظریه یادگیری می‌توان چنین تبیین کرد، بازیگران در حرفه خود به ایفای نقشهای متعددی پردازند؛ در صورتی که سلطه‌گری از ویژگیهای بارز نقش آنان باشد، به موجب شرطی شدن کنش‌گر، مشاهده و سرمشق‌گیری، به تدریج این ویژگی در شخصیت آنها نفوذ کرده است.

- در مقایسه گروه‌های مورد مطالعه مشخص شد که مردم‌آمیزی (SY) نقاشان و بازیگران از افراد عادی بیشتر است. با توجه به اینکه برون‌گرایی، با جراتی، جاه طلبی و ... از ویژگیهای اصلی مردم‌آمیزی است این یافته با قسمتی از نتایج مارچانت و ویلسون (۱۹۹۲) که دریافتند بازیگران، برون‌گرایی و بیان‌گری بالایی دارند، همخوانی دارد ولی با پژوهش پایکار (۱۳۷۸) که نشان داد نقاشان نسبت به افراد عادی درون‌گراتر هستند هماهنگی ندارند. با توجه به نظر آلپورت: فرد درون‌گرا ممکن است در بعضی از موقعیتهای رفتاری برون‌گرایانه داشته باشد و هر صفت بیانگر رفتاری است که فرد معمولاً در بسیاری از موقعیتهای خود بروز می‌دهد نه رفتاری که تنها در یک موقعیت بروز می‌کند اپروین، (۱۳۸۱) می‌توان این ناهمخوانی را تبیین نمود.

- نتایج نشان داد که خود اجتماعی (SP) بازیگران از موسیقیدانها، نقاشان، شاعران و افراد عادی بیشتر بود. از ویژگیهای بارز خویشتن‌داری می‌توان، خودداری، خود فرمانی، بازداری تظاهرات هیجانی و رفتاری را نام برد. یافته‌ها با قسمتی از تحقیق آلبرایت و همکاران (۲۰۰۱) که نشان دادند، بازیگران افزایش شخصیت اندکی داشته و خود خصوصی با خود عمومی فرد ارتباط چندانی ندارد، همچنین با تحقیق ریچاردز (۱۹۹۳) که بیان کرد دانش‌آموزان

و معلمان دبیرستانهای هنر، تحمل بیشتری در اضطراب و هیجانهای زیاد دارند همخوانی داشت.

- ویژگی اشتراک (CM) بازیگران از افراد عادی بیشتر بود، همسان دیدن صفات خود با دیگران، تربیت اجتماعی بالا، وظیفه شناسی، اهل عمل، جدی و ... از خصوصیات این ویژگی است. این یافته با نتیجه تحقیق ترز و همکاران (۱۹۹۴) که دریافتند، ادراک خویشتن و نیمرخ شخصیت بازیگران مشابه شخصیتهایی می شود که بازی می کنند و همچنین با تحقیق افتخاری (۱۳۷۴)، که مشخص نمود هنرمندان موسیقیدان علاقه به امور عملی و دقت عمل بالا دارند، هماهنگی داشت.

- ویژگی کارآیی ذهنی (IE) موسیقیدانها از افراد عادی بیشتر بود. با توجه به اینکه، توانایی عالی، علایق گسترده، سیالی کلامی، قوه درک بالا، گنجینه لغات وسیع و ... از خصوصیات کاری ذهنی بالاست، این نتیجه با تحقیق بری (۲۰۰۰)، که دریافت هنرهای خلاق یادگیری را افزایش می دهند، تحقیق مرتن و فیشر (۱۹۹۹) که نشان دادند رفتار تداعی کلمه در هنرمندان و افراد خلاق بیشتر است و تحقیق باتسورت و اسمیت (۱۹۹۵) که اظهار کردند موسیقیدانها نسبت به غیر موسیقیدانها هوش بیشتری دارند، همخوانی دارد.

- ویژگی انعطاف پذیری (FX) موسیقیدانها از شاعران و نقاشان و همچنین افراد عادی از بازیگران بیشتر بود. همچنان ناستوار و در حال نوسان، انعطاف پذیری ذهنی، قوه تخیل قوی، طرح افکار نو و ... از ویژگی های انعطاف پذیری بالاست. این نتایج با تحقیق کانار و دایس (۱۹۹۷) که اظهار کردند گروه های منسجم موسیقی انعطاف پذیری بین فردی زیادی دارند مطابقت دارد، ولی با تحقیق افتخاری (۱۳۷۴) که نشان داد علاقه به امور عمل در موسیقیدانها بیشتر از افراد عادی است همخوانی ندارد. علت آن می تواند متفاوت بودن افراد تحقیق در این پژوهشها باشد. کوهات عقیده دارد، موسیقی به تخیلات و خاطرات خودآگاه و ناخودآگاه نیرو می بخشد (معنوی، ۱۳۶۳).

- در مقایسه ویژگی زنانگی - مردانگی (FM) بین گروه های مورد مطالعه مشخص شد که این ویژگی در افراد عادی بیش از موسیقیدانها و بازیگران است. درون گرایی، نگرانی،

سلطه پذیری و وابستگی و ... از خصوصیات ویژگی زنانگی - مردانگی بالاست، نتایج بدست آمده با تحقیق راوما (۱۹۹۶) که دریافت افراد خلاق به سختی به سمبولهای مورد علاقه خود وابستگی و اشتیاق نشان می دهند و با نتایج مقایسه ویژگی سلطه گری (DO) بین گروه های مورد مطالعه که مشخص نمود بازیگران از نقاشان و افراد عادی سلطه گری بیشتری دارند، همخوانی داشت.

- ویژگی مدارا (TO) در موسیقیدانها، نقاشان و شاعران از افراد عادی و بازیگران بیشتر بود. از خصوصیات این ویژگی می توان، مدارای اجتماعی، هوش بالا، علایق گسترده، خیرخواه دیگران، با گذشت و ... را نام برد. این نتیجه با تحقیق کانار و دایس (۱۹۹۷) که اظهار کردند، همبستگی مثبت بین میل به کمال و توجه مثبت به دیگران در موسیقیدان وجود دارد و همچنین با تحقیق ریچاردز (۱۹۹۳) که نشان داد هنرمندان تحمل بیشتری در هیجانهای زیاد دارند، هماهنگی داشت.

- ویژگی اجتماعی شدن (SO) بازیگران از سایر گروه های مورد مطالعه بیشتر بود. تحقیق مشابه ای در این خصوص انجام نشده، اما محقق اعتقاد دارد، از آنجا که در این پژوهش مشخص گردید مردم آمیزی و حضور اجتماعی بازیگران نسبت به سایر گروه ها بالاتر است و بازیگران مهارتهای اجتماعی بالا داشته و قادرند در دیگران تأثیر خوب بگذارند، لذا می توانند در ویژگی اجتماعی شدن نمره بالاتری نسبت به سایر گروه های مورد مطالعه کسب نمایند. - ویژگی استعداد روان شناختی (PY) موسیقیدانها از سایر گروه های مورد مطالعه بیشتر بود، توانایی تمرکز، کارایی در برخورد با ابهام و تنش، میزان لذت از کار و حرفه، تا حدودی محافظه کار، کناره گیری، علایق گسترده ... از خصوصیات این ویژگی است. این نتیجه با قسمتی از تحقیق مارچانت و ویلسون (۱۹۹۲) که دریافتند موسیقیدانها تا اندازه ای درون گرایی و محافظه کاری دارند، هماهنگی داشت.

- در ویژگی استعداد کسب پایگاه (CS) (استعداد فرد برای کسب درآمد نسبی، تحصیلات، اعتبار، قدرت مکتسبه در محیط فرهنگی اجتماعی شخص و ...) به دلیل فرهنگ مشترک حاکم بر گروه های مورد مطالعه و ارتباط نزدیک این

ویژگی با فرهنگ جامعه، تفاوت معنی دار بین گروه‌ها دیده نشد.

- در ویژگی خودپذیری (SA) که در رابطه با احساس ارزش شخصی، پذیرش خود و استعداد برای اندیشیدن است بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوتی دیده نشد. بکر معتقد است که نیاز به عزت نفس فقط از آن انسان است و وجود آن بدان دلیل است که انسان دارای استعداد نماد سازی و تفکر است (پیاپانگرد، ۱۳۷۶).

- در ویژگی احساس سلامتی (WB) بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت دیده نشد. این ویژگی برای تشخیص «وانمود بد» به کار می‌رود و عدم تفاوت را می‌توان چنین تبیین کرد که فرهنگ حاکم بر جامعه ما تحمل بالا را ارزش می‌داند و افراد در اکثر موارد خصوصاً آقایان شکوه‌های روانی و بدنی خود را وانمود نمی‌کنند و از آنجا که گروه‌های مورد مطالعه از یک فرهنگ انتخاب شدند و اکثر جامعه آماری تحقیق را مردان تشکیل دادند، تفاوت معنی دار دیده نشد.

- در ویژگی برداشت خوب (GI) که «وانمود خوب کردن» و اینکه فرد را تا چه اندازه در دیگران برداشت خوب ایجاد می‌کند می‌سنجد، بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت معنی دار دیده نشد. این نتیجه با تحقیق گرانت و داج (۲۰۰۳) که نشان دادند، بازیگران در حضور اشخاص دیگر عملکردشان بهتر می‌شود و نظریه اکر، که معتقد است هنرمندان ظاهر سازی زیادی دارند (معنوی، ۱۳۶۳) مطابقت ندارد که علت آن می‌تواند تفاوت فرهنگی جامعه آماری این تحقیق با تحقیقاتی خارج باشد.

- در ویژگی پیشرفت از طریق همنوایی (AC) تفاوت معنی دار در بین گروه‌ها دیده نشد. از آنجا که این ویژگی نیاز به ساختار و سازمان به عنوان وسیله‌ای برای راه یافتن به پیشرفت و ترجیح فرد به مشخص شدن ملاکهای عملکرد توسط یک منبع خارج را می‌سنجد، علت این عدم تفاوت می‌تواند به علت عدم تفاوت در ویژگی خود پذیری یعنی احساس ارزش شخصی و استعداد برای اندیشیدن و عمل کردن مستقل در بین گروه‌های مورد مطالعه باشد.

- در ویژگی پیشرفت از طریق عدم وابستگی (AI) که خلاقیت، تفکر مستقل و واگرا را می‌سنجد، بین گروه‌ها تفاوتی دیده نشد. این نتیجه با تحقیق ویکفیلد (۱۹۹۲) که

اظهار کرد، شخصیت خلاق، تفکر خلاق و تفکر واگرا در هنرمندان نقاش میزان بالایی دارد، همخوانی ندارد، از آنجا که تحقیقی در این خصوص انجام نشده مقایسه‌ای نمی‌توان انجام داد ولی ممکن است به علت تفاوت استعداد جامعه ایران با جوامع دیگر باشد.

در بررسی روابط بین ویژگیهای شخصیت و جمعیت شناخت هنرمندان (فرضیه ۳) نتایج بدست آمده که در جدول شماره ۶ ذکر شد، اینک این نتایج مورد بحث قرار می‌گیرد. (شایسته ذکر است درباره این فرضیه هیچ تحقیق داخلی و یا خارجی انجام نشده است).

- ویژگی استعداد کسب پایگاه (CS) با درآمد رابطه مثبت و با مدرک تحصیلی رابطه منفی داشت. هرچه فرد قدرت کسب درآمد بالاتری داشته باشد، درآمد بیشتری هم خواهد داشت. وضعیت اقتصادی- اجتماعی جامعه ما مشکل بیکاری و عدم استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاه موجب تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به تحصیلات شده است. افراد برای کسب درآمد بالا و پیدا کردن موقعیت اقتصادی مناسب کمتر به دنبال کسب مدرک و تحصیلات هستند.

- ویژگی حضور اجتماعی (SP) با مدرک رابطه منفی داشت، در صورتی که افراد تحصیل کرده شغل مناسبی داشته باشند. به دلیل مشکلات اقتصادی مجبور به کار در دو شیفت و بعضاً چند شیفت می‌باشند، لذا فرصت حضور اجتماعی بالایی نخواهد داشت و اگر هم موقعیت مناسب اجتماعی- اقتصادی نداشته باشند آرمانه‌های خود را از دست رفته می‌بینند و به تدریج اعتماد به نفس را از دست می‌دهند و نمی‌توانند حضور اجتماعی موثری داشته باشند.

- ویژگی خودپذیری (SA) با تأهل و جنس رابطه منفی داشت، یعنی در هنرمندان و افراد مجرد این ویژگی بیشتر از هنرمندان مرد و افراد متأهل است. افراد متأهل به دلیل حفظ آرامش محیط خانواده، خود را ملزم به تطابق بیشتر با نظریات همسرشان می‌کنند و خود محوری کمتری دارند و همچنین اکثر زنان به دلیل پامال شدن حقوقشان توسط اجتماع از مکانیسم جبرانی استفاده می‌کنند و در بیان خود، خودپذیری بالاتری را نشان می‌دهند.

- ویژگی اجتماعی شدن (SO) با تأهل رابطه منفی داشت. به عبارتی این ویژگی در افراد مجرد بیشتر است. این ویژگی

شاخصی از بلوغ اجتماعی است و به نظر می‌رسد که اجتماعی شدن می‌بایست در افراد متأهل بیشتر باشد، شاید علت به دست آمدن چنین نتیجه‌ای وضعیت اجتماعی کنونی ما باشد که به دلیل اقتصادی و فرهنگی، آمار ازدواج در کشور پایین آمده است. افراد مجرد برای حفظ اعتماد به نفس خود و مبارزه با این تفکر اجتماعی که متأهلین تعهد بیشتری به رعایت هنجارهای جامعه دارند از نوعی مکانیسم جبرانی استفاده و خود را مقیدتر به هنجارها و ارزشهای جامعه نشان می‌دهند.

- ویژگی خویشتن داری (SC) با درآمد رابطه منفی دارد. بعضی از افراد که درآمد بالا داشته و از موقعیت اقتصادی خوبی برخوردارند، خود را ملزم به کنترل بعضی از رفتارهایشان نمی‌کنند. در نتایج مشخص شد که هنرمندان نسبت به افراد عادی خویشتن داری بیشتری دارند، از آنجا که هنرمندان نسبت به افراد عادی درآمد کمتری داشتند، می‌توان رابطه منفی خویشتن داری و درآمد را تبیین نمود.

- ویژگی اشتراک (CM) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت داشت. در نتایج مشخص شد که ویژگی اشتراک در هنرمندان بیشتر از افراد عادی است. عرضه یک اثر هنری مقبول مستلزم داشتن دقت بالا و جدیت است. از آنجا که اکثر افراد تحصیل کرده دقت بالا دارند و از تربیت اجتماعی بالاتری برخوردارند می‌توان این رابطه مثبت را تبیین نمود.

- ویژگی پیشرفت از طریق عدم وابستگی (AI) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت داشت. افرادی که تحصیلات بالایی دارند، می‌توانند میزان بالایی از این ویژگی را داشته باشند، چون کسب مدارج بالایی علمی قاعدتاً، بصیرت، هوش و تفکر واگرایی نسبتاً بالایی می‌خواهد.

- ویژگی کارایی ذهنی (IE) با درآمد رابطه مثبت داشت. در نتایج مشخص شد که هنرمندان کارایی ذهنی بالاتری نسبت به افراد عادی دارند. هنرمندانی که قوه درک بالا، تفکر روشن و ابتکار دارند، آثار هنرهایشان پذیرش اجتماعی بیشتری دارد. لذا، این عوامل می‌تواند موجب کسب درآمد بالاتر شود.

- ویژگی استعداد روان شناختی (PY) با سن رابطه منفی داشت. این نتیجه با تحقیق پاپ (۱۹۹۰) که نشان داد، افزایش سن محدودیتی در خلاقیت ایجاد نمی‌کند و تنها موانع

اجتماعی بر خلاقیت افراد مسن تأثیر می‌گذارد و همچنین با نظر روانشناسانی که معتقدند در سالمندان افت توانایی‌های ذهنی دیده نمی‌شود و تنها با افزایش سن سرعت عمل کاهش ولی دقت عمل افزایش می‌یابد (ل. میشارا، ۱۳۷۱) هماهنگ نیست. علت این ناهمخوانی می‌تواند وجود موانع اجتماعی در جامعه ما باشد. تلقین این تفکر که افراد با رسیدن به دوران کهنسالی سرعت عمل، دقت و درکشان کاهش می‌یابد که تفکری حاکم در جامعه ماست، می‌تواند تبیین کننده این نتیجه باشد.

- ویژگی انعطاف پذیری (FX) با درآمد رابطه مثبت و با سن رابطه منفی داشت. درآمد بالا، تا حدودی خوشبینی در افراد ایجاد می‌کند و مدام در فکر طرح افکار جدید، برای بهره برداری بیشتر از زندگیشان هستند. هیجان، خلق و تفکر ناپایدار و متغیر از خصوصیات افراد کم سن است، این افراد بدلیل کمبود تجربه، برای رسیدن به آرمانهایشان مدام تغییر روش می‌دهند، لذا انعطاف پذیری بیشتری در روابطشان دارند.

- ویژگی زنانگی - مردانگی (FM) یا مدرک تحصیلی رابطه مثبت داشت. با بالا رفتن مدرک تحصیلی و کسب مدارج علمی، بینش فرد نسبت به خود و اجتماع افزایش می‌یابد، ممکن است درون‌گراتر شود و نسبت به مسائل عمیق‌تر بنگرد. همچنین ممکن است علاقه وی به علوم انتزاعی مثل فلسفه و هنر بیشتر شود.

- ویژگی مدارا (TO) با مدرک تحصیلی رابطه مثبت و با جنس رابطه منفی دارد. در صورتی که بالا رفتن مدرک تحصیلی موجب افزایش بینش و درک اجتماعی فرد شود، افزایش خصوصیات ویژگی مدارا را می‌توان از افراد انتظار داشت. همچنین تحمل بالا، گذشت و خیرخواهی نیز معمولاً در زنان بیشتر از مردان است.

با توجه به نتایجی که از این پژوهش به دست آمد چند پیشنهاد می‌توان نمود:

۱- نتایج نشان داد که ویژگی‌هایی از جمله مردم‌آمیزی، خویشتن‌داری، اشتراک، کارایی ذهنی، مدارا در هنرمندان بیشتر از افراد عادی است. پیشنهاد می‌شود، سبک زندگی یا عواملی که در ایجاد چنین ویژگی‌هایی مؤثر بوده شناسایی شود که با استفاده از آن، الگوها و راهکارهایی برای نمایان

منابع انگلیسی

- Albright, L., Forest, Ch, Reiser, K (2001). Acting, Behaving, and the selfless Basis of Metaperception. *Journal of personality and social psychology*, V 81, Issue 5, P 910-921, 2001.
- Barry, O. (2000). How and why teachers use the arts in the classroom. *Journal of career development*, V 20, n 3.
- Buttsworth, L, Smith, G (1995). Personality of Australian performing musicians by gender and by instrument. *Personality and individual Differences*, V 18, Issues 5, P 595-603.
- Connor, B, Dyce, J (1997). Interpersonal Regidity, Hostility, and complementarity in Musical Bands. *Journal of personality and social psychology*, V 72, Issue 2, P 362-372.
- Grant, T, Dajee, K (2003). Types of task, types of audience, types of actor: intractions between mere Presence and personality type in a simple mathematical task. *Personality and Individual Differences*, V 35, Issue 3, P 633-639.
- Marchant, S, Wilson, G (1992). Personality and stress in performing artists. *Personality and individual Differences*. V 13, Issue 20, P 1061-1068.
- Merten, T, Fisher, I (1999). Creativity, personality and word associate responses: associative behaviour in Forty supposedly creative persons. *Personality and individual Differences*, V 27, Issue 5, P 933-942
- Papalia, DE, Wendkosoids (1988). *Psychology*. (2nd ed). Newyork: mcgraw - Hill Book company.
- Pop, L (1990). A study of creativity and Aging in men and women over sixty - five. *Creativity research Journal*, V 21, N 1, P 96.
- Ravema, H (1996). In search of the creative personality. *Creativity research journal*, V 21, n 4.
- Richards, J, And others (1993). Psychological and personal Dimensions of students and teachers in high schools for the visual and performing Arts. *Journal of career development*, V 12, N 1, P 18.
- Therese, H, George, D, Richard, H, William, H (1994). Acting and Personality change: The Measurment of change in self - perceived Personality characteristics during the Actors character Development process. *Journal of Reaserch in personality*, V 28, Issue 3, p277-286.
- Wakefield, J (1992). Creativity tests and Artistic talent. *Journal of Art Education*, V 29, n 4, P 28

- شدن هر چه بیشتر این ویژگیها در نسل جوان، ارائه شود.
- ۲- از یافته‌های تحقیق می‌توان، استنباط کرد که هنر نقش پالایشی در شخصیت دارد و به ارتقای سلامت روان کمک می‌کند، لذا گنجاندن هنر از هر نوعی در برنامه‌های روزمره، شاید بتواند در پالایش فکری و بهداشت روانی فرد و نهایتاً جامعه مؤثر واقع شود.
- ۳- نتایج نشان داد که هنر، خصوصاً هنر موسیقی، می‌تواند کارایی ذهنی، هوش، دقت و درک را افزایش دهد. در صورت امکان اگر بتوان این نوع هنر را به خوبی آموخت، شاید بتوان بهره‌مندی بیشتری از زندگی برد.

منابع

- اربابی، غلامرضا، هنر و هنرمند، گروه فرهنگی اربابی، تهران ۱۳۴۴.
- افتخاری فیض‌الله، بررسی تفاوت‌های شخصیتی موسیقیدانان و غیر موسیقیدانان شهر تهران در برخی عوامل شخصیتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.
- بیابانگرد، اسماعیل، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۶.
- پروین، لارنس ا. روانشناسی شخصیت، ترجمه جواد، محمد جعفر، کدیور، پروین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۸۱.
- پایکار، معصومه، بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی (درون گرای- بیرون گرای) هنرمندان نقاش و افراد عادی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۸.
- حافظ شعر باف، راضیه، حسینیان، سیمین، مقایسه ویژگیهای شخصیتی زنان شاغل متأهل و خانه دار شهر مشهد و ارتباط این ویژگیها با رضامندی زنان شوی، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن مشاوره ایران، ج ۴، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۹.
- رایینز، ا. مبانی رفتار سازمانی، ترجمه کیری، ق، انتشارات جهان، تهران ۱۳۶۹.
- مارتات، گری گرات، راهنمایی سنجش روانی، ترجمه پاشا شریفی، حسن، - نیکخو، محمدرضا، ج ۲، انتشارات رشد، تهران ۱۳۷۹.
- محلوچی، محمد، هنر و هنرمند، فصل‌نامه رهپویه هنر، دفتر اول، پائیز ۱۳۷۴.
- معنوی، عزالدین و فرید خدایی و کریم امیرحسینی، هنر از دیدگاه روانپزشکی، انتشارات چهر، تهران ۱۳۶۳.
- میرزایی، نورالدین، بررسی مقدماتی عملی بودن، روایی و اعتبار و هنجاریابی پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا (CPI)، تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش تهران، ۱۳۸۰.
- میشارا، بریان، ل، رایدال، روبرت، روانشناسی بزرگسال، ترجمه حمزه گنجی و همکاران، انتشارات اطلاعات، تهران 1371.